



سه گانه عدالت اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی

ملیحه خواجهی*؛ مجید مداح^۲

چکیده:

موضوع عدالت اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی از جمله مسائل حیاتی و حساسی است که تاثیر بسزایی بر رفاه اجتماعی و پایداری جامعه دارد در این راستا، دولت‌ها از سیاست‌ها و برنامه‌های مختلفی برای تحقق این آرمان استفاده می‌کنند. ما در این مقاله به دنبال یافتن مبانی نظری موجود و چگونگی تعامل و حدود و ثغور این سه مقوله هستیم و تلاش کردیم به مسائل مفهومی، نظری و روش شناختی موجود در مورد عدالت اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی یا نابرابری‌های زیست محیطی بپردازیم. هدف این تحقیق بررسی مفاهیم و چالش‌های عدالت زیست محیطی برای تحلیل اثرات سیاست‌های زیست محیطی بر گروه‌های مختلف اجتماعی است که به این نتیجه رسیدیم که هرچند تلاش‌های بین‌المللی برای تحقق عدالت زیست محیطی و اقتصادی در حال افزایش است، اما چالش‌های جدی همچنان پابرجا هستند و نیازمند رویکردهای جامع‌تر و عملی‌تر در سطح ملی و بین‌المللی هستند.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، مدیریت محیط زیست، رشد و توسعه پایدار

^۱ نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. m.khajavi@semnan.ac.ir

^۲ استاد اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. majid.maddah@semnan.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مساله

در دنیای امروز، مفاهیم عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی و عدالت زیست محیطی به طور گسترده‌ای مورد بحث قرار می‌گیرند. رابطه بین عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی بسیار مرتبط و پیچیده است در واقع، عدالت اقتصادی می‌تواند به عنوان یک ابزار برای دستیابی به عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد توزیع منصفانه منابع اقتصادی و فرصت‌ها می‌تواند به تقویت عدالت اجتماعی کمک کند و از ایجاد تفاوت‌های نامنصفانه و نامتعادل در جامعه جلوگیری نماید. به طور خلاصه، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی هر دو به طور مستقیم و غیرمستقیم به یکدیگر وابسته هستند و تنها از طریق تداخل و تعامل میان آن دو می‌توان به دستیابی به جوامع عادل و پایدار نزدیک شد.

از طرف دیگر سیستم‌ها و فعالیت‌های اقتصادی باید تداوم منابع طبیعی و زیست محیطی را به عنوان متغیرهای مهم در توسعه پایدار در نظر بگیرند. مطالعات اپیدمیولوژیک و اجتماعی و جمعیت شناختی نشان می‌دهد که جوامع کم درآمد به طور نامتناسبی در معرض آلاینده‌های موجود در هوا و تاسیسات دفع سمی هستند و خطر سرطان، آسم و سایر اثرات سلامتی را به همراه دارد.^۱

این سه مفهوم نه تنها به طور جداگانه، بلکه در تعامل با یکدیگر، پایه‌گذار جامعه‌ای پایدار و مرفه هستند. در این مقاله، به تحلیل و بررسی هر یک از این مفاهیم و ارتباط آنها با یکدیگر پرداخته می‌شود. عدالت اجتماعی به طور مثبت بر «علل تقریبی»، یعنی فناوری، نیروی کار و انباشت سرمایه (نورث و توماس، ۱۹۷۳) برای افزایش عملکرد اقتصادی تأثیر می‌گذارد.^۲ میلر (۱۹۹۹) بیان می‌کند؛ از عدالت اجتماعی، همه افراد لزوماً فرصت‌هایی برای سلامت و آموزش خوب خواهند داشت. عدالت اجتماعی بر فناوری، نیروی کار و سرمایه تأثیر می‌گذارد که به نوبه خود بر عملکرد اقتصادی تأثیر می‌گذارد.^۳

بر اساس ادبیات نهادی، (نورث و توماس، ۱۹۷۳ و Acemoglu et al., ۲۰۰۵) نهادها علت اساسی عملکرد اقتصادی هستند. ما فرض می‌کنیم که عدالت اجتماعی نیز یک علت اساسی است. عدالت اجتماعی بر فناوری، سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی تأثیر می‌گذارد.

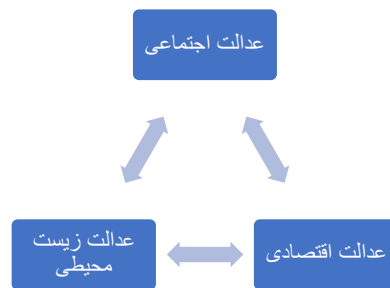
عدالت اجتماعی به عنوان هدف زیربنایی فعالیت‌ها و سیاست‌های اقتصادی، جایگاه مهمی در مباحث پیرامون محیط زیست معاصر نیز دارد. در دنیای امروز، بحث در مورد عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی یکی از موضوعات حیاتی و حساس است که به طور مستقیم به کیفیت زندگی افراد و حتی پایداری جوامع مرتبط می‌شود. عدالت اجتماعی به معنای توزیع منصفانه و برابر منابع و فرصت‌ها در جامعه است از سوی دیگر، عدالت اقتصادی به معنای توزیع درست و منطقی تولیدات و درآمدها در جوامع است و بی‌عدالتی زیست محیطی نیز زمانی اتفاق می‌افتد که یک گروه اجتماعی خاص - نه لزوماً یک گروه نژادی/قومی - با مخاطرات زیست محیطی همسویی می‌کند. از منظر جنبش‌های اجتماعی مخاطرات زیست محیطی چیزی است که فعالان با آن مبارزه می‌کنند. اما آنها برای چه می‌جنگند؟ این ما را به عدالت زیست محیطی می‌رساند.^۴

^۱ Morello-Frosch, et al. ۲۰۰۲; LACEHI ۲۰۱۰)

^۲ آنیل ساویو کاوری و هونگوی شائو "تأثیر عدالت اجتماعی بر عملکرد اقتصادی" ۲۰۱۷

^۳ همان

^۴ شکل گیری نابرابری محیطی به سوی نظریه بی عدالتی زیست محیطی برایانت (۱۹۹۵)



جنبش های عدالت زیست محیطی در حال مبارزه با انواع سوء استفاده از زمین، هوا و آب خود در قلمرو بومی سنتی تا محیط های شهری هستند. اینها شامل استخراج ناپایدار زیست توده (به عنوان مثال، جنگل زدایی، دفاع از جنگل های حرا، تحمیل مزارع درختان تک کشت، سوخت های کشاورزی، غصب زمین، صید بی رویه) است. استخراج معادن (برای طلا، بوکسیت، سنگ آهن، مس، اورانیوم و سایر مواد معدنی)؛ اکتشاف و استخراج نفت و گاز؛ و تخصیص آب، مانند ساخت سدها، انحراف رودخانه ها، و آلودگی سفره های زیرزمینی، برای نام بردن مهم ترین علل درگیری ها^۱ همچنین در مورد حمل و نقل و زیرساخت های مورد نیاز برای حمل و نقل درگیری وجود دارد. درگیری ها بر سر دفع زباله در شهرها، روستاها یا خارج از کشور شامل دعوا بر سر زباله ها یا زباله سوزها، آلودگی هوا و خاک، صادرات زباله الکترونیکی و شکستن کشتی ها است (Demaria ۲۰۱۰). بزرگترین درگیری دفع زباله بر سر حق مالکیت اقیانوس ها و جو برای تخلیه مقادیر بیش از حد CO₂ تولید شده توسط سوزاندن سوخت های فسیلی است. همچنین تضادهای زیادی در مورد استفاده از فن آوری های جدید (سیانید در معدن طلای روباز، موجودات اصلاح شده ژنتیکی [GMOs]، انرژی هسته ای) وجود دارد که خطرات نامطمئن را به طور ناعادلانه توزیع می کند (Pereira and Funtowicz ۲۰۰۹; Pengue ۲۰۰۵; EEA ۲۰۰۲).

در دهه ۱۹۷۰ (هارپر اندرسون، ۲۰۱۲)، اقتصاد سبز برای اولین بار مطرح شد (پیرس و همکاران، ۱۹۸۹). مایکل جیکوبز همچنین این اصطلاح را در کتاب خود با عنوان "اقتصاد سبز: محیط زیست، توسعه پایدار و سیاست آینده" در سال ۱۹۹۱ به کار برد. در اواسط دهه ۱۹۹۰، نمایندگان اتحادیه های کارگری صراحتاً خواستار به رسمیت شناختن پتانسیل مشاغل سبز برای تقویت اقتصاد ملی و جهانی شدند (Stavis and Felli ۲۰۱۵). با وجود این تلاش ها، این مفهوم به استفاده گسترده ای دست یافت. مدرنیزاسیون اکولوژیکی در اواخر دهه ۱۹۹۰ محبوبیت پیدا کرد (مثلاً مول ۱۹۹۶) به عنوان یک صلاحیت مورد نیاز سرمایه داری جهانی کسب و کار معمولی. این گفتمان مستلزم تأکید بر نوآوری فن آوری در تکنیک های تولید به عنوان ابزاری برای افزایش پایداری زیست محیطی فعالیت های اقتصادی بود. علیرغم قرابت تصویری با نوسازی بوم شناختی، اقتصاد سبز هنوز به طور گسترده و صریح مورد استناد قرار نگرفت.

توجه روزافزون به «اقتصاد سبز» به عنوان یک الگوی جدید احتمالی برای پیگیری توسعه اقتصادی در سطوح ملی و بین المللی، بر این ادعای غیرمعمول تأکید می کند که مدل غالب رشد اقتصادی جهانی ناپایدار است و نیاز به تجدید نظر دارد (پیکنی ۲۰۱۳؛ جکسون، ۲۰۰۹). مناقشات عمیق از جمله در مورد اینکه چه درجه ای از تعدیل مورد نیاز است، کدام ابزارهای سیاستی کافی هستند و چه کسی در بهترین موقعیت برای رهبری چنین انتقالی قرار دارد، باقی می ماند.

(Barbier, 2012) استدلال می کند که اقتصاد سبز یا حداقل نسخه ای که در کنفرانس ریو + ۲۰ بیان شد کاملاً بر اساس مدل بازار است و مستلزم تبعیت پایداری زیست محیطی به الزامات رشد است. (تأکید بر رشد سبز یک امید کاذب است و بحران های پایدار محیطی و اجتماعی در واقع نتیجه چشم انداز رشد است (جکسون ۲۰۰۹). اقتصاد سبز، اصولاً در یک روش بازار آزاد، اساساً صرفاً به

^۱ (۲۰۰۷: Bebbington, et al.; OCMAL ۲۰۱۰; McCully ۱۹۹۶; Carrere and Lohman ۱۹۹۶). پل ۲۰۰۴ مارتینز-آلیر ۲۰۰۱، GRAIN ۲۰۰۷: De Echave, et al.

تأخیر انداختن صدمات اجتماعی و زیست محیطی اجتناب‌ناپذیر در واقع فاجعه‌ای عمل می‌کند که وقتی و اگر نتوانیم جهت اقتصادی غالب خود را تغییر دهیم (ایوانوف ۲۰۱۱) رخ خواهد داد.^۱

برخی از متفکران توجه جدی به این موضوع داشته‌اند که یک جامعه عادلانه چه می‌تواند باشد و اینکه آیا صحبت از عدالت به عنوان کیفیت کل جوامع منطقی است یا خیر. جان راولز نظریه پردازی است که بیشترین ارتباط را با این اصطلاح دارد و نوشته‌های او در بیشتر موارد با فهم رایج سازگار است.^۲

جان راولز (۱۹۹۹) می‌نویسد؛ وقتی درباره عدالت بحث می‌کنیم فکر می‌کنیم می‌دانیم در مورد چه چیزی صحبت می‌کنیم؛ آیا مردم حقوقی دارند؟ عدالت برای توزیع رفاه مادی چه محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند؟ احساس من این است که برای جا انداختن این حس که قلمرو عدالت، ملتی که از نظر سرزمینی تعریف شده است، نیاز به تلاش است. ما به اصول لیبرال عدالت در داخل ملت استناد می‌کنیم و به دنبال پیشبرد منافع ملی در خارج از آن هستیم. با تأمل، این پیش‌فرض در مورد حوزه عدالت عجیب است. به هر حال، استدلال‌های فیلسوفان برای اصول عدالت مبتنی بر ویژگی‌های افراد عقلایی، منفعت طلبی و مانند آن است. این ویژگی‌ها بین همه اعضای گونه‌ی انسان مشترک است، صرف نظر از اینکه در کجا واقع شده‌اند. بنابراین، ممکن است به نظر برسد، قلمرو اصول عدالت فیلسوفان، در همه جا است، بدون تمایز بر اساس مکان.^۳

راولز از توجه خود به مردم، به جای اشخاص، با قیاسی به مالکیت از مفهوم عدالت دفاع می‌کند. راولز با تکیه بر تئوری استاندارد اقتصادی می‌نویسد: «مقصود نهاد مالکیت این است که، اینکه عامل مشخصی مسئولیت حفظ یک دارایی را بر عهده بگیرد و زیان ناشی از عدم انجام آن را متحمل شود واگر نه آن دارایی رو به زوال است.» انسان‌ها، دارایی‌های مربوطه منابع جهانی هستند و منابع جهان برای حفظ گونه‌ها ناکافی می‌شوند، مگر اینکه عامل مسئول یک دولت جهانی باشد، اما این احتمال را رد می‌کند. زیرا یک حکومت جهانی "یا یک استبداد جهانی خواهد بود و یا بر امپراتوری شکننده ای حکومت می‌کند که در اثر درگیری‌های داخلی اغلب ادعا می‌شود که احقاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود به خود از بهره‌مندی از حقوق مدنی و سیاسی ناشی می‌شود و غالباً فرض بر این است که برخی از حقوق می‌توانند جدا از سایرین محقق شوند. با این حال، این استدلال‌ها نه توسط قانون و نه تجربه مشاهده شده پشتیبانی می‌شوند. همانطور که کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR)^۴ در بیانیه بسیار نقل قول خود در کنفرانس جهانی حقوق بشر خاطرنشان کرد: "تحقق کامل حقوق بشر هرگز نمی‌تواند صرفاً به عنوان یک محصول جانبی یا اتفاقی حاصل شود، زیرا مناطق و مردمان مختلف تلاش می‌کنند آزادی سیاسی و خودمختاری خود را به دست آورند. شدت شرایط درگیری و نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن بر اهمیت اساسی این ادعا تأکید دارد. از آنجایی که دولت‌ها، همراه با جامعه بین‌المللی، به دنبال ایجاد نهادهای دموکراتیک در جوامع پس از جنگ هستند، نباید از این حقوق غافل شوند. در تحقق ایده آزادی از نیاز برابری ماهوی برای عدالت اجتماعی مهم است، زیرا برابری بدون صلاحیت ممکن است تنها به عنوان برابری رسمی یا برابری فرصت‌ها به اشتباه تعبیر شود.^۵

راولز استدلال می‌کرد که نهادهای رفاه سرمایه‌داری نمی‌توانند ارزش منصفانه آزادی‌های سیاسی شهروندان یا برابری منصفانه فرصت‌ها را تضمین کنند، زیرا با توجه به مقیاس نابرابری‌های پیشینه در مالکیت دارایی، «کنترل اقتصاد و بسیاری از مسائل مرتبط دیگر زندگی سیاسی در دست تعداد کمی است»^۶؛ او همچنین معتقد بود که اشکال نظام سرمایه‌داری، در حالی که ممکن است بتواند یک «حداقل اجتماعی مناسب که نیازهای حسی را پوشش می‌دهد» تضمین کند (راولز ۲۰۰۱، ۱۳۸) قادر به نهادینه کردن یک استاندارد علمی برابری طلبانه کافی از توزیع نیست، و قادر به تشخیص یک «اصل تقابل برای تنظیم نابرابری‌های اقتصادی» (راولز ۲۰۰۱، ۱۳۸)،

^۱ احرسمن، تی.جی. و اوکرکه، سی (۲۰۱۵) عدالت زیست محیطی و مفاهیم اقتصاد سبز

^۲ کتاب نظریه عدالت راولز (۱۹۷۱)

^۳ قانون مردم نوشته جان راولز (کمبریج: انتشارات دانشگاه هاروارد، ۱۹۹۹)

^۴ قرارداد بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (International Covenant on Civil and Political Rights) یا (ICCPR)

^۵ "الکساندر ال. بورین" عدالت اقتصادی و اجتماعی برای جوامع در حال گذار "۲۰۰۷

^۶ راولز ۲۰۰۱، ۸-۱۳۷؛ اونیل ۲۰۱۲، ۷۷-۷۸

مانند اصل تفاوت نمی‌باشد. به طور خلاصه، راولز معتقد بود که اشکال آشنای سرمایه‌داری به طور سیستماتیک ناعادلانه هستند، در واقع راولز معتقد بود که حتی دولت‌های رفاه سرمایه‌داری نسبتاً سخاوتمند دوران پس از جنگ، عمیقاً ناعادلانه بودند. توجه به این نکته مهم است که همه رژیم‌های عادل قابل قبول حداقل درجاتی از جهت گیری دولتی اقتصاد را در بر می‌گیرند.

در بدیهی‌ترین موارد، هر شکلی از برنامه‌ریزی اقتصادی که آزادی‌های اساسی را نقض نمی‌کند. طبق اولین اصل عدالت (۱۹۹۹، ۲۳۹) عادلانه است و بنابراین، به طور منطقی، هر نوع «اجرای اجباری» از همان ابتدا منتفی خواهد بود. راولز تأکید می‌کند که این آزادگان می‌توانند تحت سوسیالیسم لیبرال دموکراتیک به طور کامل محافظت شوند، اما این البته به این معنی نیست که دولت دموکراتیک در یک سیستم سوسیالیستی در نتیجه باید هیچ نقش فعالی در جهت گیری اقتصاد نداشته باشد.

راولز بیان می‌کند براساس تصمیمات سیاسی که به صورت دموکراتیک گرفته شده است، دولت با تنظیم عناصر خاص تحت کنترل خود، جو اقتصادی را تنظیم می‌کند راولز در بحث مفصل‌تر خود در مورد شاخه‌های حکومت، توضیح می‌دهد که چگونه یک نظام اقتصادی عادلانه، که اجازه مالکیت خصوصی در ابزار تولید را داشته باشد، باید اهداف نظارتی خاصی را در مدیریت اقتصادی دنبال کند. به‌طور کلی، در شاخه‌های تخصیص و تثبیت دولت هدفشان این است که تعدادی از اشکال تنظیم اقتصاد را وضع کنند. شاخه تخصیص برای "نظام قیمت‌ها را به طور قابل اجرا رقابتی نگه می‌دارد و از شکل گیری قدرت نامعقول جلوگیری می‌کند و همچنین "شناسایی و تصحیح، مثلاً با مالیات‌های مناسب و با تغییر در تعریف دارایی‌ها انواع مختلفی از شکست‌های بازار ممکن است در جایی وجود داشته باشند که قیمت‌های بازار نتوانند منافع و هزینه‌های اجتماعی را اندازه‌گیری کنند، از اشکال مختلف مالیات‌ها استفاده کنند، یا با تغییر «تعریف حقوق مالکیت» شاخه تثبیت، هدف سنتی کینزی از مقررات اقتصاد کلان را برعهده می‌گیرد تا محرک ایجاد اشتغال از طریق مدیریت تقاضای موثر قوی شود (۱۹۹۹، راولز ۲۴۴) همه این اشکال توافق مقررات شامل راه‌هایی است که دولت در آن مداخله می‌کند و توسعه اقتصاد را هدایت می‌کند. راولز در مورد انواع برنامه‌ریزی‌های دموکراتیک که در جهان انجام می‌شود، چیزی نمی‌گوید. در یک رژیم سوسیالیستی عادل لیبرال، می‌تواند شامل تعیین اهداف کلی برای جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و اتخاذ تصمیمات جمعی در مورد الزامات حفاظت درازمدت زیست‌محیطی باشد. یک جامعه دموکراتیک ممکن است تصمیم بگیرد، برای مثال، منابع اجتماعی را به سمت اشکال خاصی از تحقیق و توسعه هدایت کند، به عنوان مثال سرمایه‌گذاری عمومی مستقیم یا ترکیبی صورت گیرد.

دینفغان مختلف برای دسترسی به منابع کمیاب در اقتصاد سیاسی مبارزه می‌کنند و منافع و هزینه‌های این منابع به‌طور نابرابر توزیع می‌شود. یعنی آن دسته از سهامدارانی که قادر به بسیج مؤثر منابع نیستند، به احتمال زیاد از نابرابری محیطی رنج می‌برند. برعکس، آن دسته از سهامدارانی که بیشترین دسترسی را به منابع کمیاب دارند، می‌توانند سایر دینفغان را از همین دسترسی محروم کنند، منابع کمیاب ممکن است شامل محیط‌های زندگی، تفریحی و کار پاک و ایمن باشد. این افراد می‌توانند صاحب قدرت، ثروت و موقعیت باشند. بنابراین، ناتوانی در دسترسی به این منابع اغلب به معنای زندگی و کار در شرایط خطرناک، با قدرت، ثروت یا موقعیت بسیار کم است. برعکس، آن دسته از سهامدارانی که توانایی دسترسی به این منابع را دارند، در شرایط ایمن تر و سالم تر با قدرت، ثروت و موقعیت بیشتر زندگی و کار می‌کنند.^۱

رابطه بین پایداری زیست محیطی، حقوق حیوانات و منافع انسانی یک رابطه احتمالی است (گارنر، ۲۰۱۵). مواردی وجود دارد که محافظت از حیوانات واقعاً کمک می‌کند. انسان‌ها نیز؛ و دیگر مواردی که در آنها هیچ تأثیری بر منافع انسانی خاص ندارد. اما مهم‌تر از آن، موارد بسیاری وجود دارد که در آنها بین حفظ منافع حیوانات و انسان‌ها تعارض وجود دارد. به عنوان مثال، در مورد برخی از درگیری‌های بین انسان و حیات وحش، پیشنهاد شد که جمعیت حیات وحش باید به طور مؤثرتری توسط طیف وسیعی از ابزارهای کنترل باروری مدیریت شوند، از جمله استفاده از واکسن‌های تزریقی، تک دوز ضد بارداری ایمنی برای عقیم‌سازی زنان. ضد بارداری خوراکی پرندگان،

¹Environmental Inequality Formation Toward a Theory of Environmental Injustice DAVID N. PELLOW University of Colorado at Boulder

و روش‌های جدید پیشگیری از بارداری از راه دور شامل "اشباح باکتریایی، ذرات ویروس مانند و ارگانسیم‌های قابل انتقال و غیرقابل انتقال اصلاح‌شده ژنتیکی" (۲۰۱۵) Garner، (۲۰۱۴:۱) Massei and Cowan، روش دیگری را ارائه می‌کند.

۲- پیشینه تحقیق

در پژوهشهای متعدد داخلی با تفکیک عدالت اقتصادی از عدالت اجتماعی شاخص‌های ترکیبی با عنوان شاخص عدالت اقتصادی در ایران ارائه شده است. به جهت ارتباط نزدیک این نوع عدالت مضاف با مفهوم جامع عدالت اجتماعی جهانی و هدف اصلی این پژوهش این دو طبقه از پیشینه پژوهشهای داخلی و بین‌المللی ذکر گردیده است. طیف گوناگونی از پژوهشها در باب شاخص عدالت اقتصادی در ایران صورت پذیرفته است. رجایی (۱۳۹۲) به طراحی شاخص عدالت اقتصادی بر اساس تعالیم اقتصادی پرداخت. عیوضلو بیان میکند بسیاری از صاحب‌نظران مسئله عدالت اقتصادی را در ذیل مسئله عدالت اجتماعی آورده اند و لذا عدالت اقتصادی به عنوان یک موضوع اقتصادی جزو مباحث قرار گرفته و در واقع به عنوان یک مسئله اجتماعی تلقی گردیده است عیوضلو، (۱۳۸۶:۳۵).

خاندوزی (۱۳۹۴) در پژوهشی جامع به طراحی شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی بر اساس نظریه عدالت اقتصادی در قرآن پرداخته و در نهایت ۸ مؤلفه و برای هر مؤلفه یک سنجه جهت برآورد تقریبی آن ارائه نموده است. عیوضلو (۱۳۸۶) قواعد و نظریه‌های عدالت اقتصادی را به سه دسته قواعد منابع محور برابری در بهره‌مندی از ثروتهای عمومی قواعد فرآیند محور رسیدن هر کس به تلاش و کوششهایش و قواعد نتیجه محور و غایت‌گرا و سهم‌بری هر فرد از نتایج و دستاوردها قابل تقسیم دانسته و در نهایت حسب ۴ معیار حق برخورداری برابر از منابع و ثروتهای عمومی، سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت در تولید استفاده بهینه از اموال و ثروتهای عمومی و توازن درآمدها در کشور ۲۰ سنجه پیشنهادی ارائه نموده است.

رجایی (۱۳۹۲) در پژوهشی به دنبال طراحی شاخصهای عدالت اقتصادی از نظر اسلام است. در این پژوهش تدوین شاخصهای عدالت اقتصادی اسلامی مستلزم تفکیک چهار معنا از عدالت و تمایز قلمروهای آن است عدالت به معنای تساوی اعطای حق توازن و اعتدال عدالت اقتصادی در تولید توزیع مصرف فرصتها و خدمات عمومی ظهور و بروز دارد. معیار عدالت در توزیع فرصتها برابری و مساوات و در توزیع کارکردی - استحقاقی سهمی است که از طریق تراضی به دست می‌آید و شاخص آن قیمت بازاری است. معیار عدالت در توزیع درآمد و ثروت، توازن و معیار عدالت در رعایت حقوق نیازمندان استحقاق در حد کفاف و شاخص آن حد کفاف و در پرداخت حقوق مالی بستگان استحقاق عرفی و شاخص آن اعتدال عرفی است.

در دو مطالعه خاندوزی (۱۳۹۴) و عیوضلو (۱۳۸۶) شاخص‌های ترکیبی زیر پیشنهاد شده است:

شاخصی برای عدالت نماگرها خاندوزی، ۱۳۹۴	معیارهای عدالت اقتصادی منبع: تلخیص از عیوضلو، ۱۳۸۶
مؤلفه حق مالکیت	حق برخورداری برابر در مالکیت‌های خصوصی
مؤلفه استفاده بهینه از منابع	حق برخورداری برابر در مالکیت‌های عمومی و همگانی
مؤلفه حق نسل‌های آتی	حق برخورداری برابر در مالکیت‌های دولتی (انفال)
مؤلفه حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی	حق برخورداری برابر در خصوص اموال خصوصی
نماگر درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق	حق برخورداری برابر در بازار و کل اقتصاد
نماگر سهم صادرات خام فروشی معادن و منابع طبیعی از صادرات	ارزش افزوده حقیقی پاداش به اندازه شایستگی و عملکرد هر عامل
مؤلفه استفاده مشروع و قانونی از منابع	قوام و توازن در مصرف کارایی تخصیصی

نماگر سطح بهره وری کل عوامل تولید	قوام در تولید کارایی فنی)
مؤلفه حق دسترسی به ثروت های عمومی	
نماگر اختلاف بودجه عمرانی سرانه در استانها	
نماگر نسبت دستمزد سرانه به بهره وری نیروی کار	
مؤلفه حق سهم بری از تولید	
نماگر نسبت چک های بلامحل به جمعیت فعال	
مؤلفه حتی مبادله	

منبع: تلخیص از عیوضلو، ۱۳۸۶ و خاندوزی، ۱۳۹۴

پيله فروش (۱۳۸۷) در ابتدا کار خود بر این نکته تأکید میکند که هر کدام از شاخص ها بر اساس یک مبنا و یک مکتب ساخته شده است و در هنگام قضاوت درباره وضعیت عادلانه باید دید این معیار برچه اساسی ساخته شده است و از این جهت طراحی شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی نیازمند نظریه و ایده مشخص در مورد عدالت است برای برآورد عدالت اجتماعی جهانی در نگاه نویسنده نیازمند شاخصهای ترکیبی زیر برای برآورد شاخص عدالت اجتماعی جهانی هستیم وی شاخص های ترکیبی عدالت اجتماعی جهانی را شامل شاخص سختی وضعیت معیشت مردم، شاخص جرم، شاخص مسائل بهداشتی و سلامت، شاخص امور آموزشی و دو مورد دیگر که مرتبط با گروه های خاص هستند شاخص تهدیدات متوجه کودکان، شاخص تهدیدات متوجه جوانان می داند. وی همچنین بیان می کند، در مورد ضریب جینی، وضعیت عادلانه وضعیتی است که تمام افراد جامعه درآمد برابر داشته باشند و بر مبنای ایده تساوی طلبانه طراحی شده است ولی شاخصهای نابرابری چندکها بر اساس این ایده شکل گرفته اند که در جامعه عادلانه نباید شکاف درآمدی زیادی بین گروه های مختلف وجود داشته باشد و شاخص های فقر بر مبنای ایده شکل گرفته است که در جامعه عادلانه باید حداقل معیشت افراد تأمین شود.

در تحقیقات بین المللی نیز مطالعاتی صورت گرفته است از جمله اسکولزبرگ (۲۰۰۷) به بررسی ارتباط میان عدالت اجتماعی و عدالت زیست محیطی می پردازد و پیشنهاد می کند که این دو مفهوم باید در سیاست گذاری ها و تحلیل های توسعه پایدار به هم پیوسته شوند. این اثر، چالش های اجتماعی-اقتصادی در جوامع مختلف را تحلیل کرده و نشان می دهد که چگونه این مشکلات بر گروه های آسیب پذیر و اقلیت ها تأثیر می گذارد!

فریزر (۲۰۰۹)، عدالت زیست محیطی از منظر نظریه ها و جنبش ها بررسی می کند. اسکولزبرگ مفاهیم عدالت اجتماعی و زیست محیطی را ترکیب کرده و به تحلیل ابعاد مختلف عدالت در توسعه پایدار می پردازد. او مدلهایی برای بررسی روابط اقتصادی و اجتماعی در مشکلات زیست محیطی ارائه می دهد که می تواند برای مطالعه تعاملات این سه نوع عدالت مفید باشد.^۱

رابینسون و تینکر (۲۰۰۱) به بررسی چالش های عدالت اجتماعی و اقتصادی در عصر جهانی شدن می پردازد. او ارتباط بین عدالت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را در بستر تغییرات جهانی و پایداری مورد بررسی قرار می دهد و به تفصیل به این می پردازد که چگونه نابرابری ها در حوزه های مختلف (اقتصادی، اجتماعی، و زیست محیطی) می توانند بر عدالت اجتماعی تأثیر بگذارند.^۲

دابسون (۲۰۰۳) به بررسی تناقضات و ارتباطات بین پایداری زیست محیطی و عدالت اجتماعی و اقتصادی پرداخته است و نشان می دهد که چگونه سیاست های زیست محیطی می توانند به نابرابری های اجتماعی و اقتصادی منجر شوند یا بر آن ها تأثیر گذار باشند.^۳

¹ . Schlosberg, D. (2007). Defining Environmental Justice: Theories, Movements, and Nature. Oxford University Press

² Fraser, N. (2009). Scales of Justice: Reimagining Political Space in a Globalizing World.

³ Robinson, J. B., & Tinker, J. (2001). Sustainable Development and Environmental Justice: Connections and Contradictions.

⁴ Dobson, A. (2003). Justice and the Environment: Conceptions of Environmental Sustainability and Theories of Distributive Justice.

جاسانوف و مارتلو (2004) به بررسی ارتباط بین عدالت اجتماعی و عدالت زیست محیطی می پردازد و بیان می کند که چگونه مسائل زیست محیطی می تواند بر گروه های آسیب پذیر و کم درآمد تأثیر گذار باشد. بولارد در این کتاب مدل هایی برای درک چگونگی تأثیرات نابرابری های اقتصادی و اجتماعی بر حقوق زیست محیطی اقلیت ها و جوامع فقیر ارائه می دهد.^۱

تمامی این منابع به شکلی مستقیم یا غیرمستقیم به تحلیل ارتباط بین عدالت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی پرداخته اند این مقالات و کتاب ها به تحلیل روابط بین این سه نوع عدالت از دیدگاه های مختلف، از جمله سیاست گذاری، توسعه پایدار، و حقوق بشر می پردازند.

۳- مفهوم شناسی

۱. عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی به معنای توزیع منصفانه منابع، فرصت های اقتصادی و دسترسی به نیازهای اولیه انسانی است. به عبارت دیگر، عدالت اقتصادی به این می پردازد که آیا مردم به طور برابر و منصفانه از فرصت های اقتصادی بهره مند می شوند یا خیر. **توزیع درآمد:** عدالت اقتصادی شامل توزیع منصفانه درآمد در جامعه است، به طوری که افراد کم درآمد از دسترسی به فرصت های رشد برخوردار باشند.

دسترسی به خدمات عمومی: دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و سایر خدمات عمومی، از اصول عدالت اقتصادی است.

فرصت های شغلی برابر: فراهم آوردن فرصت های شغلی به ویژه برای اقشار کم درآمد و اقلیت ها.^۲

عیوضلو (۱۳۸۶) بیان می کند: نگاه صرفاً توزیعی به عدالت منعکس کننده تمام واقعیت عدالت اقتصادی نیست و ما را در ارزیابی عدالت اقتصادی به اشتباه می اندازد و ممکن است توزیع عادلانه فقر را جایگزین مفهوم عدالت اقتصادی سازد. وی معتقد است: از میان شاخص ها، شاخص های توسعه انسانی و شاخص آمارتیا سن و شاخص اتلاف منابع گویاتر و جامع تر از بقیه شاخص ها هستند. شاخص توسعه انسانی برای معرفی عدالت اجتماعی جهانی در کشور و شاخص رفاه آمارتیا سن برای معرفی نسبی وضعیت توازن نسبی درآمدها توأم با بهبود درآمد سرانه واقعی به کار گرفته می شوند.^۳

۲. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی به مفهوم برابری و احترام به حقوق اجتماعی و فرهنگی تمامی افراد در یک جامعه اشاره دارد. این مفهوم به طور خاص به مسائل مربوط به تبعیض های نژادی، جنسیتی، دینی و طبقاتی پرداخته و بر ایجاد فرصت های برابر برای همه گروه ها تأکید دارد.

حقوق بشر: عدالت اجتماعی به حقوق و آزادی های انسانی همه افراد جامعه احترام می گذارد.

برابری جنسیتی و نژادی: مبارزه با تبعیض های جنسیتی و نژادی به عنوان بخشی از عدالت اجتماعی مطرح می شود.

Bullard, R. D. (2005). The Quest for Environmental Justice: Human Rights and the Politics of Pollution. Sierra Club Books

¹ Jasanoff, S., & Martello, M. L. (2004). Earthly Politics: Local and Global in Environmental Governance.

² Sen, A. (1999). Development as Freedom. Oxford University Press.

Rawls, J. (1971). A Theory of Justice. Harvard University Press.

Piketty, T. (2014). Capital in the Twenty-First Century. Harvard University Press.

^۳ تلخیص از عیوضلو، ۱۳۸۶: ۱۰۴ تا ۱۳۷

گنجاندن گروه‌های حاشیه‌نشین: عدالت اجتماعی نیازمند ایجاد فرصت‌های برابر برای گروه‌های اجتماعی که در معرض تبعیض و نابرابری قرار دارند.^۱

۳. عدالت زیست‌محیطی

واژه‌های «عدالت زیست‌محیطی» ابتدا در ایالات متحده در اوایل دهه ۱۹۸۰ برای شکایات محلی علیه «نژادپرستی زیست‌محیطی»، یعنی بارهای نامتناسب آلودگی در مناطقی که عمدتاً توسط گروه‌های قومی محروم ساکن هستند، استفاده شد (Bullard ۱۹۹۰؛ Pulidoacho ۲۰۰۹؛ کول ۱۹۹۸ و فاستر ۲۰۰۱: ۲۰۱۰؛ Carmin and Ageyman). اکنون این اصطلاح به جنبش‌ها و سازمان‌های خودجوش اطلاق می‌شود که در برابر صنایع استخراجی مقاومت می‌کنند و در برابر آلودگی و تغییرات آب و هوایی سازماندهی می‌کنند (Martinez-Alier ۲۰۰۲) در هر نقطه از جهان. همچنین شامل شبکه‌ها یا ائتلاف‌هایی است که آنها در آن سوی مرزها تشکیل می‌دهند (بندی و اسمیت، ۲۰۰۵). عدالت زیست محیطی هم از بین نسلی و هم بین نسلی صحبت می‌کند. توزیع این به ابعاد غیر توزیعی عدالت می‌پردازد، مانند به رسمیت شناختن مشروعیت بازیگران اجتماعی برای ابراز اعتراض (Schlosberg ۲۰۰۷) و شامل کردن همه کسانی که تحت تأثیر استخراج منابع و آلودگی هستند (Agarwal ۲۰۰۱).

عدالت زیست‌محیطی به این می‌پردازد که چگونه آثار تغییرات زیست‌محیطی بر گروه‌های مختلف اجتماعی تأثیر می‌گذارد و چگونه می‌توان این آثار را به طور منصفانه توزیع کرد. این نوع عدالت شامل مسائل مربوط به حفظ محیط زیست و حقوق نسل‌های آینده است. عدالت زیست‌محیطی (EJ) به آن دسته از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، قوانین، مقررات، رفتارها، سیاست‌ها و تصمیم‌هایی برای حمایت از جوامع پایدار اشاره می‌کند که در آن افراد می‌توانند با اطمینان از اینکه محیط زیست امن و پرورش‌دهنده است، تعامل داشته باشند. و مولد. عدالت زیست‌محیطی زمانی اجرا می‌شود که مردم بتوانند بالاترین پتانسیل خود را درک کنند. EJ توسط مشاغل ایمن با حقوق مناسب پشتیبانی می‌شود. مدارس و تفریحات با کیفیت؛ مسکن مناسب و مراقبت‌های بهداشتی کافی؛ تصمیم‌گیری دموکراتیک و توانمندسازی شخصی؛ و جوامع عاری از خشونت، مواد مخدر و فقر. اینها جوامعی هستند که هم تنوع فرهنگی و هم تنوع زیستی مورد احترام و احترام فراوان است و عدالت توزیع شده در آنها حاکم است. عدالت زیست محیطی بر بهبود شرایط بالقوه تهدید کننده زندگی یا بهبود کیفیت کلی زندگی برای افراد فقیر و/یا رنگین پوستان متمرکز است. نژادپرستی محیطی مبتنی بر شناسایی مشکل است. عدالت محیطی مبتنی بر حل مسئله است (برایانت، ۱۹۹۵، ص ۶). بنابراین، عدالت زیست محیطی هم به دنبال «عدالت به مثابه انصاف» است و هم عدالت را به عنوان «احترام متقابل. مدیون انسانها به عنوان افراد اخلاقی» می‌داند. (راولز، ۱۹۷۱، ص ۵۱۱).

نابرابری زیست‌محیطی بر ابعاد گسترده‌تری از تقاطع بین کیفیت محیطی و سلسله مراتب اجتماعی تمرکز دارد. نابرابری محیطی به سوالات ساختاری تری می‌پردازد که بر نابرابری اجتماعی (توزیع نابرابر قدرت و منابع در جامعه) و بارهای زیست محیطی تمرکز دارند. برای مثال، برخلاف نژادپرستی زیست محیطی، نابرابری‌های زیست محیطی شامل هر شکلی از خطرات زیست محیطی است که گروه اجتماعی خاصی را تحت فشار قرار می‌دهد. جنبش زیست‌محیطی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رشد عظیمی را شاهد بود، زیرا صدها جامعه با موفقیت در برابر مکان‌یابی مکان‌های دفن زباله و زباله‌سوزها مقاومت کردند (Szasz, ۱۹۹۴). این مقاومت گسترده در برابر شیوه‌های سنتی مدیریت زباله جامد آنچه را که سیاستمداران و مقامات صنعتی «بحران دفن زباله» می‌نامند، تشدید کرد. بسیاری از ناظران به اشتباه این بحران را به معنای کاهش ظرفیت دفن زباله خوانده‌اند. در واقع، با این حال، "بحران" تا حد زیادی به افزایش دشواری سیاسی در مکان‌یابی این زباله‌ها نسبت داده شد (گولد، اشنایبرگ و واینبرگ، ۱۹۹۶). شیکاگو نیز از این قاعده مستثنی نبود. در سال ۱۹۸۴، یک کمپین قوی جنبش زیست‌محیطی، ساخت محل‌های دفن زباله جدید را متوقف کرد و شهر را مجبور به جستجوی زباله‌های جدید کرد.^۲

¹ Fraser, N. (2009). Scales of Justice: Reimagining Political Space in a Globalizing World. Polity Press.

Young, I. M. (1990). Justice and the Politics of Difference. Princeton University Press.

Walzer, M. (1983). Spheres of Justice: A Defense of Pluralism and Equality. Basic Books.

² Schlosberg, D. (2007). Defining Environmental Justice: Theories, Movements, and Nature. Oxford University Press.

۴. ارتباط بین عدالت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی

این سه مفهوم به طور پیچیده‌ای به یکدیگر متصل هستند. عدالت اقتصادی و اجتماعی به نوعی بر توزیع منابع و فرصت‌های اجتماعی تمرکز دارند، در حالی که عدالت زیست محیطی بر اهمیت حفاظت از محیط زیست و پایدار ساختن منابع برای آینده تأکید دارد.^۱

برای بررسی ارتباط میان عدالت اجتماعی عدالت اقتصادی و عدالت زیست محیطی، لازم است از شاخص‌هایی استفاده کرد که این سه حوزه را به طور یکپارچه و هم‌زمان ارزیابی کنند. در واقع، این شاخص‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که نشان دهند سیاست‌ها و تحولات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی چگونه بر هم تأثیر می‌گذارند و به عدالت یا نابرابری منجر می‌شوند.

اقتصاد سبز به یکی از شیک ترین اصطلاحات در بحث‌ها و انجمن‌های سیاست عمومی محیط زیست جهانی تبدیل شده است. علیرغم این محبوبیت، و انتخاب آن به عنوان یکی از موضوعات سازماندهی کنفرانس سازمان ملل متحد ریو+۲۰ در برزیل، ژوئن ۲۰۱۲، چشم انداز آن به عنوان یک ابزار بسیج موثر برای بورسیه و عملکرد جهانی پایداری محیطی نامشخص است.^۲

در زیر، به برخی از مهم‌ترین شاخص‌ها که در ادبیات تحقیق بیشترین فراوانی را داشت، می‌پردازیم و در ادامه به شاخص‌هایی که این سه بعد را به هم مربوط می‌کنند، اشاره می‌کنیم:

۱. شاخص‌های عدالت اقتصادی^۳

- **نرخ فقر:** درصد جمعیت زیر خط فقر که نشان‌دهنده توزیع نابرابر درآمد در جامعه است.
- **نابرابری درآمدی:** شاخص‌هایی مانند ضریب جینی که نابرابری توزیع درآمد را اندازه‌گیری می‌کند.
- **نسبت درآمد به ثروت:** بررسی تفاوت‌ها در توزیع ثروت در مقایسه با درآمد.
- **دسترسی به خدمات مالی:** شاخص‌هایی که میزان دسترسی افراد به خدمات مالی (مانند حساب‌های بانکی یا وام) را بررسی می‌کنند.
- **فرصت‌های شغلی:** نسبت بیکاری و اشتغال ناقص که نشان‌دهنده دسترسی به فرصت‌های شغلی برابر است.

۲. شاخص‌های عدالت اجتماعی^۴

Dobson, A. (2003). Justice and the Environment: Conceptions of Environmental Sustainability and Theories of Distributive Justice. Oxford University Press.

Bullard, R. D. (2005). The Quest for Environmental Justice: Human Rights and the Politics of Pollution. Sierra Club Books.

^۱ Agyeman, J., Bullard, R. D., & Evans, B. (2003). Just Sustainabilities: Development in an Unequal World. Earthscan.

Sachs, J. (2015). The Age of Sustainable Development. Columbia University Press.

^۲ احرسمن، تی.جی. و اوکرکه، سی (۲۰۱۵) عدالت زیست محیطی و مفاهیم اقتصاد سبز.

^۳ 1. Social Justice Index Report 2019

2. Global Economic Justice: A Structural Approach

3. Justice and the Global Economy (JSTOR)

4. OECD Economic Surveys and Reports

^۴ 1. Social Justice Index Report 2019

2. Global Economic Justice: A Structural Approach

3. Justice and the Global Economy (JSTOR)

4. OECD Economic Surveys and Reports

- **دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی:** اندازه‌گیری دسترسی افراد به خدمات اساسی مانند بهداشت و آموزش، که نقش زیادی در کاهش نابرابری‌های اجتماعی دارد.

- **شاخص توسعه انسانی (HDI):** شاخصی که سطح توسعه انسانی در یک کشور را با توجه به عواملی مانند امید به زندگی، دسترسی به آموزش و درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌کند.

- **نابرابری‌های جنسیتی:** شاخص‌هایی که تفاوت‌های جنسیتی در دسترسی به منابع، فرصت‌ها و حقوق را اندازه‌گیری می‌کنند (مانند شاخص نابرابری جنسیتی).

- **شاخص حقوق بشر و عدالت قانونی:** میزان رعایت حقوق بشر و دسترسی به عدالت قانونی برای اقشار مختلف جامعه.

- **دسترسی به مسکن مناسب:** بررسی میزان دسترسی افراد به مسکن با کیفیت و مناسب، که از مهم‌ترین نیازهای اجتماعی است.

۳. شاخص‌های عدالت زیست‌محیطی^۱

- **آلودگی هوا:** سطح آلودگی هوا در مناطق مختلف و تأثیر آن بر سلامت عمومی که به ویژه بر جوامع فقیر و آسیب‌پذیر اثر می‌گذارد.

- **دسترسی‌پذیری منابع طبیعی:** میزان دسترسی به منابع طبیعی مانند آب، خاک و انرژی که ممکن است در اثر فعالیت‌های اقتصادی یا سیاست‌های ناعادلانه آسیب ببینند.

- **شاخص پایداری زیست‌محیطی (Esi):** شاخص‌هایی که نشان‌دهنده پایداری منابع زیست‌محیطی و حفاظت از آن‌ها هستند (مانند شاخص پایداری محیط‌زیستی).

- **تأثیرات تغییرات اقلیمی:** آسیب‌های ناشی از تغییرات اقلیمی (مثل سیلاب‌ها، خشکسالی‌ها، طوفان‌ها) که به‌طور غیرمستقیم بر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌گذارند.

- **شاخص مدیریت منابع طبیعی:** ارزیابی نحوه استفاده و مدیریت منابع طبیعی (مانند آب، جنگل‌ها، و خاک) که با عدالت زیست‌محیطی ارتباط دارد.

^۱ منابع زیر مورد مطالعه قرار گرفت

1. Environmental Justice Research: Contemporary Issues and Emerging Topics
2. The Routledge Handbook of Environmental Justice
3. The Lancet Commission on Pollution and Health
4. Toward Environmental Justice: Key Concepts
5. Spaces of Environmental Justice

۴. شاخص‌های میان‌رشته‌ای برای پیوند این سه بعد

برای بررسی پیوند این سه بعد (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) می‌توان از شاخص‌های میان‌رشته‌ای استفاده کرد که تأثیرات هم‌زمان و پیچیده این ابعاد را در نظر می‌گیرند:

- **شاخص پایداری توسعه (SDI):** شاخصی که پیوند بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را بررسی می‌کند و به ارزیابی میزان توسعه پایدار در یک کشور یا منطقه کمک می‌کند. این شاخص معمولاً شامل تعدادی از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است که در کنار هم تحلیل می‌شوند.

- **شاخص توسعه پایدار (SDG Index):** این شاخص به‌ویژه به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) اشاره دارد که شامل ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. این شاخص به تحلیل تأثیر سیاست‌ها بر عدالت اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌پردازد.

- **شاخص نابرابری زیست‌محیطی (EII):** این شاخص نابرابری‌های زیست‌محیطی و تأثیر آن‌ها بر جوامع مختلف را اندازه‌گیری می‌کند. به عنوان مثال، چگونگی تأثیر آلودگی یا تغییرات اقلیمی بر اقشار فقیر یا آسیب‌پذیر در مقایسه با افراد ثروتمند.

- **شاخص عدالت زیست‌محیطی و اجتماعی:** شاخصی که ارتباط میان عدالت اجتماعی و زیست‌محیطی را بررسی می‌کند، به‌ویژه در مناطق آسیب‌پذیر از نظر محیطی. این شاخص‌ها می‌توانند تأثیرات سیاست‌های زیست‌محیطی بر گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی را اندازه‌گیری کنند.

۴- نابرابری‌های محیطی نتیجه یک فرایند

پلاو (۲۰۰۰) معتقد است؛ نابرابری‌های محیطی همیشه به سادگی توسط یک طبقه از مردم به طبقه دیگر به طور یک جانبه تحمیل نمی‌شود. در عوض، مانند همه اشکال طبقه‌بندی، نابرابری‌های محیطی روابطی هستند که از طریق یک فرآیند تغییر مستمر که مستلزم مذاکره و اغلب درگیری بین سهامداران متعدد است، ایجاد می‌شوند. بنابراین، او کنش و مقاومت جامعه/کارگر را به عنوان بخشی از فرآیندی که در آن نابرابری‌های محیطی به‌جای واکنشی ساده به آنها پدیدار می‌شوند، لحاظ می‌کند. اینجاست که تحقیقات جدید می‌تواند به ما کمک کند تا بهتر بفهمیم که چگونه مقاومت در برابر خطرات محیطی می‌تواند نابرابری‌های محیطی را شکل دهد.^۱

برخی از محققان استدلال می‌کنند که دولت از خودمختاری زیادی استفاده می‌کند و از طرف خود عمل می‌کند (Evans, ۱۹۸۵, Rueschemeyer, & Skocpol). اما از آنجایی که اقتصادهای جهان به یکدیگر وابسته‌تر شده‌اند و قدرت شرکت‌های فراملی افزایش یافته است، این دیدگاه «استقلال دولتی» به چالش کشیده شده است. به طور خاص، بسیاری از محققان استدلال می‌کنند که دولت اغلب به عنوان یک "سفیر" در صنعت عمل می‌کند و قدرت خود را بیشتر به نمایندگی از شرکت‌ها اعمال می‌کند تا برای شهروندان (گولد و همکاران، ۱۹۹۶؛ مندر و گلداسمیت، ۱۹۹۶). اما ما هرگز نباید فرض کنیم که دولت و شرکت‌ها همیشه متحد هستند، اگرچه اغلب اینطور است. در واقع، دولت و شرکت‌ها اغلب با یکدیگر در تضاد هستند و اغلب در داخل تقسیم می‌شوند. در مورد تأسیسات بازیافت WMI، در حالی که شهر شیکاگو با WMI متحد بود، OSHA و وزارت دادگستری با شهر و WMI به دلیل نقض ایمنی کارگران تماس گرفتند. بعلاوه، چندین تن از بزرگان صریح شورای شهر شیکاگو علناً از برنامه کیفیت آب به عنوان یک شکست انتقاد

¹ Advanced and mixed indexes

² Environmental Inequality Formation Toward a Theory of Environmental Injustice DAVID N. PELLOW University of Colorado at Boulder (۲۰۰۰)

کرده اند. این نمونه ها حاکی از آن است که شاخه های مختلف «دولت» بر سر این موضوع با یکدیگر درگیری داشتند. برخی از دانشمندان علوم اجتماعی، مهندسان محیط زیست و سیاست گذاران خواستار تحقیقات بیشتر در این حوزه به عنوان راهی برای ایجاد پایه ای برای توسعه پایدار در ایالات متحده شده اند (Mol, ۱۹۹۵؛ PCSD, ۱۹۹۶؛ Tibbs, ۱۹۹۲). محققان محیط زیست بهتر است سطح تجزیه و تحلیل را به دنبال آلودگی یا خطرات مورد بحث از "گهواره تا گور" گسترش دهند. این به ما این امکان را می دهد که از تأکید تک محلی پژوهش های نابرابری زیست محیطی به سمت دسترسی روش شناختی منطقه ای، ملی و جهانی بیشتر توسط دانشمندان علوم اجتماعی حرکت کنیم. یعنی در صورت امکان، می توانیم تأثیرات اجتماعی-محیطی را بررسی کنیم. از طرف دیگر وقتی منابع طبیعی استخراج می شوند، از طریق تولید به کالا تبدیل می شوند، سپس توزیع می شوند، مصرف می شوند و دفع می شوند. از این پنج مرحله در چرخه زندگی، محققان تمایل دارند تنها بر روی دفع پنجم تمرکز کنند. با توجه به بحران زیست محیطی که با افزایش دمای جهانی با آن مواجه هستیم و ضرورت بدیهی برای دگرگونی ریشه ای مدل اقتصادی مان، اهمیت پیدا می کند. پرداختن به کار جدی بر روی الزامات هنجاری نیاز است زیرا عملکرد جوامع امروزی نمی تواند شکل عادلانه ای از برنامه ریزی اقتصادی باشد.^۱

دیدگاه شکل گیری نابرابری زیست محیطی EIF نه تنها بر درک چگونگی آشکار شدن نابرابری های محیطی تأکید می کند، بلکه در واقع نابرابری زیست محیطی را به عنوان یک فرآیند تعریف می کند، از این رو، مفهوم سازی مجدد نابرابری محیطی به عنوان یک فرآیند، کل چارچوب نظریه، روش شناسی و خط مشی را تغییر می دهد، زیرا توضیح، اندازه گیری و توسعه سیاست حول فرآیندی که به مجموعه ای از کنش ها قابل تقلیل نیست، دشوار است (پولیدو، ۱۹۹۶a، ۱۹۹۶b). این امر مستلزم دگرگونی در تفکر ما درباره چپستی نابرابری محیطی و جایی است که خود را نشان می دهد.

سیاست های اقتصادی سیاسی که توسط دولت، شرکت ها و بخش های مختلف مردم پذیرفته شده اند، نمونه ای از آنچه اریک است (۲۰۰۵، p. ۱۹۹۲) Swingedouw حکومت را فراتر از دولت می نامد. "برای فعالان محیط زیست در این شهر، اشکال جدید حکمرانی دارای نقاط قوت و منفی است. مسلماً، با ارتباطات مناسب، آنها می توانند سریعتر به اهداف خود برسند، از سوی دیگر، برخی انجمن ها ممکن است "لبه های رادیکال تر چارچوب عدالت زیست محیطی را برای دریافت بودجه از این بنیادها، گروه های عدالت زیست محیطی، خنثی کنند. مجبور بوده اند اهداف و شیوه های کمتر رادیکال را بپذیرند" (هولیفیلد، پورتر و واکر ۲۰۰۹، ص ۵۹۸). تحت اشکال حکومت نئولیبرالی مبتنی بر مشارکت عمومی-خصوصی، این پرسش که چه چیزی «فضای عمومی» را تشکیل می دهد، چه کسی حق تصمیم گیری در مورد استفاده قابل قبول از آن فضا را دارد و چه کسی داور اختلافات است، با بحث بر سر این موضوع پیچیده تر می شود. استفاده و مدیریت زمین در سایت Cornfield نشان می دهد (پرکینز ۲۰۱۰).

در حالی که سموم زیست محیطی و آلاینده های هوا هنوز یک خطر دائمی برای سلامتی در جوامع لاتین تبار کم درآمد در جنوب کالیفرنیا هستند، در دهه اخیر یا بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. بر مشکل چاقی کودکان متمرکز شده است. مسلماً چاقی دوران کودکی و اثرات بهداشتی مرتبط با آن، مانند دیابت، تهدیدی پایدارتر و گسترده تر برای جامعه لاتین تبار نسبت به سموم موجود در محیط است (فورمن ۲۰۰۳، ص ۱۱۸؛ پرز-اسکامیلا و ملگار-کوئینونز ۲۰۱۱). این بحران بهداشتی وزن قوی تری به کمپین حامی پارک ها بخشیده است.

۵-عدالت برای مردم یا عدالت برای محیط زیست

بین کسانی که معتقدند حفاظت محیط زیست، معیشت جامعه و شیوه های سنتی را تهدید می کند، و کسانی که معتقدند حفاظت برای محافظت از گونه های غیرانسانی در برابر تأثیر توسعه انسانی و رشد جمعیت، ضروری است، بحثی در جریان است. ما برای آشتی بین این مکاتب فکری و یک فشار مشارکتی به سمت پرورش دیدگاهی متمرکز بر محیط زیست بحث می کنیم که نه تنها عدالت اجتماعی

^۱ همان

و اقتصادی را در بر می گیرد، بلکه نگرانی برای گونه های غیر انسانی را نیز در بر می گیرد. انسان شناسان وظیفه دارند از حقوق بشر و حقوق بومیان در برابر محیط بانان نواستعماری غربی حمایت کنند. انتقاد سخنرانان از محیط زیست بر نزدیکی گروه های حفاظت از محیط زیست به عاملان یک شرکت سرمایه داری، غارتگر، نئو امپریالیستی و حتی نژادپرستانه است که بی عدالتی زیست محیطی را از طریق تجاوز به حقوق بشر یا بومی و در عین حال تأمین نخبگان ثروتمند، تداوم می بخشد. بی عدالتی زیست محیطی در این مورد به دسترسی نابرابر به مزایای زیست محیطی (مانند منابع طبیعی) در بین جمعیت های انسانی اشاره دارد. سخنرانان به زمینه های تاریخی اشاره کردند که در آن مناطق حفاظت شده یا پارک های ملی در کشورهای در حال توسعه ایجاد شده اند، با تأکید ویژه بر نقد شیوه های از بالا به پایین و استعمار نو، که در آن ارزش های زیست محیطی به چالش کشیده شده است.^۱

از چندین محیط زیست بوم مرکز، دانشمندان علوم اجتماعی و طبیعی امروزه برای افزایش به رسمیت شناختن و حمایت از حقوق حیات گونه های غیر انسانی و حفظ اکوسیستم ها و تنوع زیستی استدلال می کنند (مانند کافارو و پریماک، ۲۰۱۴؛ کریست، ۲۰۱۲؛ نش، ۲۰۱۲)، بسیاری از این نویسندگان استدلال می کنند که حفاظت نه تنها باید مبتنی بر ارزش ابزاری طبیعت و گونه های غیر انسانی برای انسان باشد، بلکه مهمتر از آن، بر ارزش ذاتی نیز باید مبتنی باشد (به عنوان مثال، کریست، ۲۰۰۴، ۲۰۱۲؛ بوید، ۲۰۰۷). ردفورد و آدامز، ۲۰۰۹). انگیزه صرفاً ابزاری برای حفاظت، گونه هایی را تهدید می کند که هیچ سود آشکاری برای انسان ندارند. انگیزه ابزاری منعکس کننده چیزی است که از آن به عنوان انسان گرایانه یاد می شود.

عدالت برای مردم باید بر عدالت برای محیط زیست مقدم باشد؛ این تصور ریشه در باورهای مشترک بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی دارد که تلاش برای محافظت از محیط زیست از طریق حفاظت، معیشت جامعه را تهدید می کند و شیوه های سنتی را به خطر می اندازد.^۲

کوپینا (۲۰۱۲a,b، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴)، میلر و همکاران. (۲۰۱۴) و کافارو و پریماک (۲۰۱۴) این نگرانی را ابراز می کنند که نوع دوستی انسان گرایانه و رویکردهای انسان محورانه به حفاظت منجر به کنار گذاشتن حفاظت از گونه هایی می شود که برای رفاه انسان مفید نیستند. این نویسندگان همچنین ادعا می کنند که خشونت علیه طبیعت و گونه های فردی یک شر اخلاقی است. این استدلال مبتنی بر اخلاق زیست محیطی است و تا حد زیادی از مدل های بین فرهنگی محیط انسانی-محیط زیست الهام گرفته شده است.

اگر جهان بینی بسازیم که در آن نیازها و علایق انسانی اولویت بندی شده باشد، بر این اساس عمل خواهیم کرد و همواره به نیازهای غیر انسان وزن کافی نمی دهیم. سخنرانان همچنین استدلال کردند که لازم است دانشمندان علوم اجتماعی دایره های همدلی خود را گسترش دهند تا گونه های دیگر را با استفاده از چارچوب اخلاقی یکسانی که تعامل آنها با دیگران را هدایت می کند، در بر گیرند. در پایان مناظره، در بین حضار برگزار شد تا نظر حاصل در مورد اینکه آیا عدالت برای مردم باید بر عدالت برای محیط زیست باشد یا خیر؟ نتیجه بیش از ۹۰ رأی مخالف این پیشنهاد، ۳۰ رأی در حمایت بود (برای جزئیات کامل بحث لطفاً ۲۰۱۳، Strang را ببینید). ارزش ذاتی گونه های غیر انسانی (دیتز و همکاران، ۲۰۰۵)، چنین حمایتی از گونه های غیر انسانی که حقوق ذاتی همه گونه ها را بدون توجه به رابطه و فایده آنها با انسان به رسمیت می شناسد.

^۱ النور شورمن-اویمیت، هلن کوپیناب "آشتی دادن عدالت زیست محیطی و اجتماعی برای ترویج حفاظت از تنوع زیستی" (۲۰۱۵) ۱۲۰-۱۲۶ ScienceDirect
www.elsevier.com/locate/biocon

^۲ بروکینگتون و همکاران، ۲۰۰۸؛ دافی، ۲۰۱۴؛ فلچر، ۲۰۱۴؛ ایگو، ۲۰۱۱؛ www.justconservation.org

۶- تقابل انسان محوری و محیط زیست

گروهی از محققان عمدتاً دارای انگیزه انسان‌محور هستند، انسان‌محوری دیدگاه سلسله مراتبی از زندگی، نیازها و حقوق بشر است که انسان‌ها را مهم‌تر از غیرانسان‌ها می‌داند و طبیعت را اساساً به دلیل ارزش سودمندی آن ارزشمند می‌داند. انسان محوری اغلب با ایده عدالت اکولوژیکی که نظریه‌های استاندارد عدالت را به بوم‌شناسی متصل می‌کند، مخالف است و ادعا می‌کند که همه موجودات از حق برخورداری از سهم عادلانه از منابع زیست محیطی سیاره هستند (باکستر، ۲۰۰۵). این منتقدان نگرانی خود را در مورد عدالت زیست‌محیطی ابراز می‌کنند و معتقدند که بار آسیب‌های زیست‌محیطی باید به‌طور مساوی توزیع شود تا جوامع محروم به‌طور ناعادلانه در معرض خطرات زیست‌محیطی قرار نگیرند. (باکستر، ۲۰۰۷).

بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی درگیر تلاش‌های عدالت زیست محیطی بودند. گروه‌های حفاظت را متهم به همکاری با نخبگان سیاسی می‌کنند که از پرداخت غرامت خودداری می‌کنند، مهاجرت جامعه را مجبور می‌کنند و حتی جوامع محروم را در معرض سهم نابرابر خطرات زیست محیطی قرار می‌دهند. همین منتقدان استدلال می‌کنند که حفاظت با اشکال مختلفی مرتبط است.^۲

معمولاً در نقد کالایی شدن طبیعت اتفاق نظر وجود دارد. این کالایی شدن با مفهوم منابع طبیعی یا پرداخت برای خدمات زیست محیطی (PES) که در حال حاضر بر سیاست‌های زیست محیطی و واژگان سازمان‌های بین‌المللی تسلط است، مشهود است. PES رویکردی است که تلاش می‌کند بر شکست‌های بازار در مدیریت اثرات خارجی محیطی غلبه کند. ایده اصلی این است که اشکال کشاورزی دوستدار محیط زیست در کنار حفاظت از حوزه آبخیز و جنگل در مناطق روستایی خدمات اکولوژیکی مانند ترسیب کربن، تنوع زیستی، فرسایش و کنترل سیل را پاکسازی می‌کند. محیط‌زیست‌ها مدت‌ها مدتی بوده‌اند که صدای انسان برای دفاع از حقوق گونه‌های غیرانسانی ضروری است.^۳

اریک کاتز (۱۹۹۹: ۳۹۰) به‌علاوه اشاره کرده است که تا حدی، انسان‌محوری می‌تواند سهم مثبتی در ارزیابی و توجیه سیاست‌های زیست‌محیطی در موقعیت‌هایی داشته باشد که با سیستم‌های مصنوعی و نه طبیعی سروکار دارند: مثال‌ها ممکن است شامل سیاست‌های مربوط به آلودگی هوای شهری، «گازهای گلخانه‌ای، مسائل مربوط به عدالت زیست‌محیطی، و اثرات زیست‌محیطی کشاورزی» باشد. این نوع تفکر همگرایی تمایل دارد بر پایداری تسلط داشته باشد.

محیط بانان بسیار مشتاق هستند تا اطمینان حاصل کنند که مواد شیمیایی قبل از استفاده از آنها به‌طور گسترده آزمایش سمیت می‌شوند، اما البته این آزمایش عمدتاً بر روی حیوانات انجام می‌شود. تنها رد انسان‌محوری، در تمام ظواهر آن، می‌تواند این وضعیت را اصلاح کند. این امر دفاع از گونه‌های حیوانی غیر انسانی را قادر می‌سازد، حتی زمانی که انجام این کار هزینه‌های انسانی دارد (گارنر، ۲۰۱۵).

حفاظت از گونه‌ها در برابر آسیب یا انقراض در این موارد مستلزم تخصیص حقوق و ارزش‌های ذاتی ویژه‌ای است که می‌تواند از غیرانسان‌ها در برابر بی‌عدالتی‌های قابل اجتناب و ناشی از انسان محافظت کند.

در واقع، یک بحث مداوم در مورد حفاظت بین کسانی که معتقدند حفاظت، معیشت جامعه و شیوه‌های سنتی را تهدید می‌کند، در جریان است، و کسانی که معتقدند حفاظت برای محافظت از گونه‌های غیرانسانی از تأثیر توسعه انسانی و جمعیت ضروری است. رشد علیرغم برخی علایق مشترک، رابطه بین برخی از دانشمندان علوم اجتماعی، زیست‌شناسان و گروه‌های حافظ حفاظت به جای «آنها»

^۱ مثلاً بروکینگتون، ۲۰۰۲؛ www.justconservation.org.

^۲ النور شورمن-اومیت، هلن کوپنناب "آشتی دادن عدالت زیست محیطی و اجتماعی برای ترویج حفاظت از تنوع زیستی" (۲۰۱۵) ۱۲۶-۱۲۰ ScienceDirect www.elsevier.com/locate/biocon

^۳ www.unep.org/ecosystemmanagement

^۴ (باکستر، ۲۰۰۵؛ لئوپولد، ۱۹۸۷؛ ناس، ۱۹۷۳)

یا ذهنیتی که رفاه گروه های انسانی و گونه های غیرانسانی را در مقابل یکدیگر قرار می دهد، بدتر شده است. برخی از دانشمندان علوم اجتماعی به جای درگیر شدن در فرآیند تعریف و اجرای مسئولیت های زیست محیطی به نفع درازمدت انسان ها و غیرانسان ها، به تمرکز خود بر جوامع انسانی اجازه داده اند که از مشارکت آنها در حفاظت جلوگیری کند. تنش قابل درک است اما وحدت هدف در حفاظت از محیط زیست منطقی تر و مطلوب تر به نظر می رسد.

در واقع، زمانی بود که گروه های انسانی و محیط اطراف گروه های اطراف در شرایط امروزی قرار نداشتند. تحت شرایط سنتی، تراکم جمعیت کم، معیشت به جای اقتصاد بازار، دوره های آیش کافی، و جنگل های وسیع برای باغ های آینده، فعالیت های انسانی تهدید بزرگی برای اکوسیستم های جهانی و سایر گونه ها نبود (اسپونسل، ۲۰۱۳). با این حال، این شرایط سنتی اکنون نادر است. تجاوز به تمدن غرب، الگوهای مصرف و افزایش جمعیت انسانی، منابع طبیعی را به طور غیرقابل برگشتی کاهش داده، اکوسیستم ها را تخریب کرده و گونه های غیر انسانی را به سمت انقراض سوق داده است. امروزه فرهنگ ها و شیوه های معیشتی بشری به اندازه گونه های غیر انسانی که به آنها وابسته هستند، در معرض آلودگی، جنگل زدایی و تغییرات اقلیمی قرار دارند و نابودی عناصر غنی طبیعت همه را فقیر می کند.^۱

علیرغم بسیاری از دستاوردها و استثنائات گاه و بیگاه، عدالت انتقالی، مانند عدالت جریان اصلی، هنوز به اندازه کافی یا سیستماتیک به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته نشده است. عدالت انتقالی باید چالش هایی را که عدالت جریان اصلی تمایلی به افزایش آنها ندارد، بپذیرد: اذعان به اینکه سلسله مراتبی از حقوق وجود ندارد و ارائه حمایت از همه حقوق بشر، از جمله حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. مانند سایر حقوق بشر، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مستلزم حمایت از قانون اساسی، ارتقای قانونگذاری و اجرای قضایی است. بنابراین، یک استراتژی جامع برای عدالت انتقالی به نقض فاحش کلیه حقوق بشر رسیدگی می کند. در طول درگیری و همچنین نقض فاحشی که در وهله اول منجر به درگیری شده یا به آن کمک کرده است. حقوق بین الملل بشردوستانه ممکن است اجازه ندهد تا این حد به عقب برگردیم، اما قوانین بین المللی حقوق بشر اجازه می دهد. اگر مقاومت قضایی در ابتدا ارائه جبران خسارت قضایی مناسب برای نقض گسترده حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دشوار می کند، مطالبات عدالت به عنوان بخشی از گذار به یک جامعه صلح آمیز. حداقل مستلزم اتخاذ تدابیر حفاظتی قانون اساسی، قانونگذاری و نهادی برای اطمینان از عدم تداوم این تخلفات در آینده است. جوامع در حال گذار فرصت های منحصر به فردی را برای کشورها فراهم می کنند تا خود را به طور مناسب برای تضمین احترام به حقوق بشر و کرامت انسانی تجهیز کنند. عدالت انتقالی به عنوان یک عرصه پویا و پیشرفته می تواند به عنوان سکوی پرشی برای تثبیت نظام مند حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ساختارهای سیاسی، حقوقی و اجتماعی جوامع در حال گذار باشد.

۷- نقش عدالت زیست محیطی در توسعه پایدار

در دنیای امروز، مسئله عدالت زیست محیطی به عنوان یکی از چالش های اصلی در راستای تحقق توسعه پایدار شناخته می شود. این مفهوم به تلاش برای توزیع عادلانه منابع زیست محیطی و حفاظت از محیط زیست برای نسل های آینده، به ویژه در جوامع آسیب پذیر و اقلیت ها اشاره دارد. از آنجا که عدالت زیست محیطی و عدالت اجتماعی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، تحلیل اقتصادی این مفاهیم می تواند به سیاست گذاران کمک کند تا راهکارهای مناسبی برای حل بحران های زیست محیطی و اجتماعی پیدا کنند. مدل سازی اقتصادی در این زمینه می تواند به تحلیل اثرات سیاست های مختلف زیست محیطی، مانند مالیات کربن یا محدودیت های تولید و تأثیر آنها بر توزیع منابع و عدالت اجتماعی کمک کند.

عدالت زیست محیطی به توزیع منصفانه بارها و مزایای سیاست ها و اقدامات زیست محیطی می پردازد. این مفهوم به ویژه به توزیع منابع طبیعی، آلودگی، و اثرات تغییرات اقلیمی در بین جوامع مختلف توجه دارد. در بسیاری از موارد، جوامع کم درآمد و اقلیت ها بیشتر تحت تأثیر بحران های زیست محیطی قرار می گیرند و از دسترسی به منابع طبیعی سالم و پایدار محروم هستند.

¹ E Sherman-Calmet, M. Kopnine/Biological Conservation 184 (2013) 320-126

۸- ابعاد عدالت زیست محیطی

ابعاد عدالت زیست محیطی از چندین منظر قابل بررسی است:

عدالت توزیعی: مربوط به توزیع منابع و بارهای زیست محیطی به طور عادلانه بین گروه های مختلف اجتماعی.

عدالت مشارکتی: تضمین مشارکت جوامع در تصمیم گیری ها و سیاست های زیست محیطی.

عدالت بازسازی: توانمندسازی جوامعی که از تغییرات زیست محیطی یا آلودگی ها آسیب دیده اند.

عدالت بین نسلی: یکی دیگر از ابعاد مهم عدالت زیست محیطی، عدالت بین نسلی است. این بعد بر حق نسل های آینده برای

دسترسی به منابع طبیعی و محیط زیست سالم تأکید دارد!

۹- چالش ها و بحران های عدالت زیست محیطی

۱. نابرابری های جغرافیایی

آسیب های زیست محیطی در مناطق مختلف به طور نابرابر توزیع شده اند. برای مثال، کشورهای در حال توسعه و جوامع حاشیه ای به دلیل فقر و کمبود زیرساخت ها، بیشتر از کشورهای توسعه یافته تحت تأثیر بحران های زیست محیطی مانند آلودگی هوا، تغییرات اقلیمی و کمبود منابع آب قرار دارند.

۲. اثرات تغییرات اقلیمی

تغییرات اقلیمی به طور قابل توجهی بر گروه های آسیب پذیر تأثیر می گذارد. بسیاری از کشورهای فقیر و جوامع در معرض خطر، در معرض افزایش دما، خشکسالی، سیلاب ها و تغییرات شدید آب و هوایی قرار دارند. این تغییرات می توانند موجب نابرابری های اجتماعی و اقتصادی گسترده شوند.

۳. مشکلات ناشی از آلودگی محیط زیست

آلودگی های زیست محیطی نیز یکی از عوامل اصلی نابرابری های اجتماعی و اقتصادی است. جوامعی که بیشتر در معرض آلودگی های صنعتی، صوتی یا هوایی قرار دارند، اغلب به دلیل کمبود منابع مالی و دسترسی به فناوری های پاک، قادر به مقابله با این آلودگی ها نیستند.^۲

انتشار گازهای گلخانه ای توسط اقتصاد انسان در درجه اول ناشی از سوزاندن سوخت های فسیلی است. از آنجایی که اوج نفت در حال حاضر بسیار نزدیک است، یا شاید در حال حاضر به اوج استخراج گاز طبیعی رسیده است، و اوج استخراج گاز طبیعی احتمالاً در ۲۰ یا ۳۰ سال آینده رخ خواهد داد، مقدار قابل توجهی CO₂، انتشار گازهای گلخانه ای از زغال سنگ و منابع "غیر متعارف" نفت و طبیعی ادامه خواهد یافت. گازی که استخراج آنها بسیار کثیف تر و انرژی برتر است (چارمن ۲۰۱۰).

^۱ The Environmental Justice Dimensions of Climate Change (۲۰۱۱)

^۲ Environmental Justice: Context, Challenges and National Approaches (2024)

۱۰- مدل سازی اقتصادی عدالت زیست محیطی

۱. چارچوب های نظری در مدل سازی عدالت زیست محیطی می تواند از ابزارهای مختلفی مانند مدل های تعادل عمومی، مدل های شبیه سازی و مدل های اقتصادسنجی استفاده کند. این مدل ها می توانند به تحلیل روابط پیچیده میان عدالت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کمک کنند.

۲. مدل های تعادل عمومی و تاثیر سیاست های زیست محیطی

یکی از مدل های مهم در این زمینه، مدل های تعادل عمومی هستند که به تحلیل اثرات تغییرات در سیاست های زیست محیطی (مانند مالیات بر کربن یا تجارت کربن) بر متغیرهای اقتصادی مختلف می پردازند. این مدل ها می توانند تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم سیاست های زیست محیطی بر درآمدها، رفاه اجتماعی و توزیع منابع را بررسی کنند. مدل های تعادل عمومی می توانند به طور خاص نشان دهند که چگونه مالیات بر کربن یا دیگر سیاست های زیست محیطی، توزیع ثروت و منابع را تحت تأثیر قرار می دهند و آیا این سیاست ها به کاهش نابرابری های اقتصادی و اجتماعی کمک می کنند یا خیر.

۳. مدل های اقتصادسنجی و عدالت زیست محیطی

مدل های اقتصادسنجی می توانند به تحلیل داده های واقعی در ارتباط با تأثیرات سیاست های زیست محیطی بر عدالت اقتصادی و اجتماعی کمک کنند. با استفاده از این مدل ها، می توان اثرات مالیات های زیست محیطی، هزینه های درمانی ناشی از آلودگی، و تغییرات اقلیمی را بر گروه های مختلف اقتصادی و اجتماعی ارزیابی کرد.

۴. شبیه سازی های سیاستی در عدالت زیست محیطی

شبیه سازی های سیاستی در مدل سازی اقتصادی می توانند به شبیه سازی اثرات سیاست های زیست محیطی (مانند مالیات کربن یا قوانینی برای کاهش آلاینده ها) بر نابرابری های اجتماعی و اقتصادی کمک کنند. این شبیه سازی ها می توانند با استفاده از داده های کلان اقتصادی و اجتماعی، پیش بینی هایی درباره اثرات آینده سیاست های مختلف بر توزیع منابع و رفاه جوامع مختلف انجام دهند.

۱۱- مدل سازی مالیات کربن و تحلیل توزیع نابرابری ها

۱. مدل مالیات کربن و تحلیل عدالت زیست محیطی^۱

مدل سازی مالیات کربن به عنوان یکی از ابزارهای سیاستی برای مقابله با تغییرات اقلیمی و کاهش آلاینده ها، می تواند تأثیرات زیادی بر توزیع درآمد و رفاه اجتماعی داشته باشد. تحقیقات نشان می دهند که در برخی از کشورهای توسعه یافته، این نوع مالیات ممکن است بار اقتصادی بیشتری را بر روی خانوارهای کم درآمد تحمیل کند. بنابراین، برای افزایش عدالت زیست محیطی، باید سازوکارهای جبران خسارت و تخصیص درآمدهای حاصل از مالیات کربن به خانوارهای کم درآمد و آسیب پذیر ایجاد شود.

۲. تحلیل اثرات اقتصادی و اجتماعی سیاست های زیست محیطی

مدل های تعادل عمومی و اقتصادسنجی می توانند به طور خاص تحلیل کنند که چگونه مالیات کربن یا حمایت های مالیاتی از انرژی های تجدیدپذیر بر رفاه اجتماعی و نابرابری ها تأثیر می گذارند. به عنوان مثال، ممکن است مالیات کربن بر گروه های خاصی از جامعه که مصرف انرژی بیشتری دارند، تأثیرات بیشتری داشته باشد، اما این مدل ها می توانند سیاست های جبرانی را شبیه سازی کنند تا اثرات منفی را کاهش دهند.

¹ The Global Carbon Tax: Benefits and Implementation Challenges Oxford Academic. The Global Carbon Tax Climate Change Mitigation Through Carbon Taxation Oxford Academi

۱۲- جمع بندی

در پایان، می توان گفت که عدالت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی هر کدام به نوعی به ایجاد یک جامعه منصفانه و پایدار کمک می کنند. ایجاد توازن و هم افزایی بین این سه عنصر ضروری است تا نسل های آینده بتوانند از دنیای بهتری بهره مند شوند. در مورد تأثیر عدالت اقتصادی بر پایداری محیط زیست، می توان گفت که وجود توزیع منصفانه منابع و فرصت ها می تواند به کاهش آلودگی و از بین بردن مشکلات زیست محیطی کمک کند و وقوع نابرابری اقتصادی می تواند منجر به بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی و آسیب به محیط زیست شود اما اگر همه افراد به اندازه مناسب به منابع دسترسی داشته باشند، آن ها ممکن است بیشتر از حفظ و حراست از محیط زیست بهره مند شوند.

به طور خلاصه، عدالت اقتصادی می تواند تأثیرات قابل توجهی بر رشد اقتصادی و پایداری محیط زیست داشته باشد این مفهوم باعث افزایش توزیع منصفانه منابع، کاهش فساد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست می شود. به نظر می رسد که تعهد دیرینه بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی برای دفاع از منافع محلی در برابر منافع بیرونی، به محکومیت برنامه های حفاظت کمک می کند. در نتیجه، از مشارکت یا کمک به حفاظت محیط زیست معاف هستند. این فاصله آنها را از کاوش در مورد عواملی که محیط زیست گرایی را برمی انگیزد و همچنین از آموزش مردم در مورد رفاه و حقوق گونه های غیر انسانی یا حمایت از آنها باز می دارد. در صورتی که توسعه پایدار ملتها بر اساس توسعه اجتماعی و اقتصادی مشترک تحکیم می شود.

عدالت اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی سه بعد اصلی و متقابل از مفاهیمی هستند که به طور مستقیم بر رفاه و پایداری جوامع تأثیر می گذارند. این ابعاد نه تنها به صورت مستقل، بلکه به عنوان بخشی از یک چارچوب جامع و همبسته در سیاست گذاری ها و برنامه های توسعه ای مورد توجه قرار می گیرند.

۱۳- چالش ها

۱. نابرابری های جغرافیایی: توزیع نامتوازن منابع طبیعی و آلودگی بیشتر در جوامع فقیر.
۲. تأثیر تغییرات اقلیمی: کشورهای کم درآمد به طور ناعادلانه ای تحت تأثیر بحران های زیست محیطی مانند خشکسالی و سیلاب ها قرار می گیرند.
۳. عدم تحقق عدالت زیست محیطی: سیاست ها اغلب تأثیرات منفی بر گروه های آسیب پذیر دارند و در بسیاری از موارد، این گروه ها را از تصمیم گیری کنار می گذارند.

۱۴- راهکارها و پیشنهادات

- تدوین شاخص های ترکیبی برای ارزیابی عدالت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به طور هم زمان.
- مدل سازی سیاست های اقتصادی-زیست محیطی مانند مالیات کربن برای کاهش نابرابری ها و افزایش کارایی سیاست ها.
- تقویت مشارکت جوامع محلی و اقلیت ها در فرآیند تصمیم گیری زیست محیطی.
پایداری و عدالت در جوامع نیازمند تعامل هم افزایی عدالت اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است. سیاست ها و برنامه هایی که این سه بعد را به طور متوازن و هم زمان تقویت کنند، می توانند به کاهش نابرابری ها، افزایش رفاه اجتماعی، و حفاظت از منابع طبیعی برای نسل های آینده کمک کنند. این مقاله نشان می دهد که هرچند تلاش های بین المللی برای تحقق عدالت زیست محیطی و اقتصادی در حال افزایش است، اما چالش های جدی همچنان پابرجا هستند و نیازمند رویکردهای جامع تر و عملی تر در سطح ملی و بین المللی هستند.

مراجع

- خاندوزی، احسان و همکاران "شاخصی برای عدالت" انتشارات دانشگاه امام صادق (1398)
- (Eds.), *Lales ists Confrunt Overpopulation*. University of Georgia Press, Athens n. GA, pp. 141-153,
- , CM, Sextan, 10, 2014. The biodiversity of species and their rates of extinction, dianibution, and protection, *Siens* 344 (0187), 1246752
- , Rade derick, 2012. land civilization: a vision fir human inhabitance in the
- 200-207
- Andersco, Eugene N, 1996 *Emhygies of the Heart*. Dafond University Press. Oxud Bran, Brian, 2005 2005. A Theo
- Anttropolgy of Yesterday and Today. It: Shoreman Ouimer, Eleanor, Kopuma, Helen (Eds.), *Environmental Anthropolgy Today*. Routledge, London,
- ASA-AES Conference, Manchester, 5-11th August 2011. Motion: "Justice for
- Association Alessa, Lilian "Naria", 2009, "What Truth? Where Science and Traditional Knowledge Converge, Is The Alaska Native Reader, eclited by Maria Sháa Tha Williams Duke University Press. Accessed at she chootwworld.org
- Athens pp. 29-40.
- Binarmon, Niels, 1954. All animals are equal but snow cetaceans conservation and culture conflict. In: Milton, Kay (d) *Environmentalism: The View from Anthropology*. Routledge, New York ps 77-84 Escobar, Arturu, 1080 Añer nature steps to an anti-estentialist political ecology.
- Bouk, New York Kareiva, Wim. Marces. Michelle, 2012. What is comervation science Bioscience
- Brusins. Peter, 1999 Green dors, pink hearts: displacing politics from the malaysian rain focent, *Am. Anthropol*, 101 (1) 36-57,
- Buncher, Bram, Reuber, Robert, 2014 Comervation by accumulation, *New Polit Eíov* 10 (1) 1-20
- Bunkston, Carl L., III, and Stephen J. Caldas. 2002. *A Troubled Dream: The Promin and Failure of School Deugregation in Lominana*. Nashville: Vanderbilt Unsenary Press
- Cafare, Pillig Promack, Richard, 2014. Species emotion is a great moral wrong. *Conserv*. 178, 1-2
- Cafarm, Phudiy Christ, Elven (Eds.) 2012. *Life in the Bank Environmentalain Confront Overpopulation*. University of Georgia Press, Atfiens, Ga
- Caldas, Stephen J, and Carl L. Bankston 111. 2005. *Forced to Fail The Paradox of Scheel Deugregation*. New York: Praeger.
- Chumer Eleanor (Eds. *Environmental Anthropolgy Future Trends* Routledge,
- competing discourses of sustainability) liduç Sustain tam Dee 7111, 47-58 Helen, 2014. *Future ternarums and environmental education Environ*.
- Conan, William (Ed., *Uncomenen Ground: Sethinking the Human Hace in Nature WW Norton a co*
- contones of Kruger National Park. *Ann. Asanc. Am. Geogr*. 104141,816-832,
- Cramon. Willians, 1995. The trundle with wildernest, or, grung hack to the wrong
- Crist, Eileen, 2004. Aganor the social construction and wilderness *Environ. Ethics* 26 (115-24
- Crist. Eileen, 2012. *Abundant earth and popatation Ime Calan*, Philip, Crist. Eileen
- Cum. *Anthropol*, 40 (1) 1-30, Fomberg, R., Nason, P -2013. *Introductium: human-sual relations Res*. 4 (1)

- Desmond, Jane, 2013. Requiem for the roadl pna, Helen, Shoreron
- Dietz, Thomas, Fitzgerald, Amy, Shwom, Rachael, 2005. Inveunmental values. Ann. Rov, Enviem. Res 10 (335) 72,
- Directions. Routledge Landon, pp. 172-187, Spanje onsel, Ledie, 2013. In: Lun In: Lenan, Simon Asher (Ed.), Human Impact cū Lean Simen Asher (id.). Human Impact on Biodiversity:
- Duffy, lasalyn 2014 Waging a war in save hindiversity e of militariand comervation lat. Affairs 819-34 (9014 Dunlap, Riley E. Van Liere. Kem D. 1977. Land ethic of gulden rule Soc les 33,
- Environmental Anthropology Future Directions. Routledge, New York,
- Environmental Ethics and International Policy. Unesco publishing. unesenangchapte/978-82-3-10401
- Filuç 45 141217-231
- Fim Lawrence, Finsen, Susan, 1994. The Animal Rights Movement in America: From Compassion to Respect. Twayne Publishers. New York
- Fletcher, Robert, 2000. Against Wilderness. Green Theory and Praxis. J. Eicopedagogy 3(1)165-179,
- Fletcher, Robert, 2014. Bemancing the Will Cultural Dimensions of Ecotourism. Duke University press
- fourth millennium. In: Cafarn Philip. Crist. Eileen (Eids Life in the Brink: Emorinosentalists Canon Overpopulation University. Georgia Prms
- Garland. Elizabeth, 2008. The dephant in the room whunting the colonial character of wildlife conservation in Africa. Alt. Stad. Rev, 51 1351-74
- Garner, Ribert, 2013. Environmental politics, animal rights and ecological pastice, Kamina, H. Shoreman-Ouimet, (ds) Sustainability eyes Routledge Earthscan, New York Haraway, Hataway, Denna Deind 2008. When Species Mert. University of Memesota Press, deauury
- Hoffman status of the 2016. The impart of conservation Holmin, George, 2010. The nich, th, the powerful and the and the endangered
- Ingold, Tan, 2000. The Perception of the Environment: Essays Dwelling and Skill Routledge. New York, Liveliboost,
- Kalland, Arne, 2005. Unveiling the Whale: Diocaarses en Whales and Whaling Studies in Envirorumental Anthenpology and Ethobiology Series. Berghahn
- Kegnana, Helen, 2012. Towards conservational anthropology: addressing anthropocentric hias in anthropology Dialect. Anthropol 36 (1) 127-145, Kognana. Helen, 2012h Education for sastamatie development (ESD) the
- Kertak, Conrad P. 1998. The new ecopical anthropology 13-15. Antfiropell 1/1 [
- Kopnena away from 'environment in environmental education? Environ, Educ. Res. 18 15699-71 199-717.
- Koptina, Hrion, 2 2013 Forsaking nature Contesting nodiversity
- Kumar, M., Kumar, P. 2006. Valuation of the rocystem arrvices a psyche-cuttural perspective licol. Exnn. 64 (4) 805-1 E Shorrmann-Cunnet, H. Kopatna/mological Comervation 184 (2015) 320-126
- Labry, Richand, Morell, Virginia, 2002, Wildlife Wars: My Fight to Save Africans Natural Treasures. St. M Martin's Ivess, New York Leupold, Alde, 1987. A Sand Couety Almanac and Sketches Here and
- London. Pateček. M. oond. M. 2013. Relativim and the contogical wichin PH, Roberts
- Lumutrum, Shrabeth 2014. Geen militartration poaching effuts and the spatial

- Marcus, Geunge E. 1981. Elite concept, thenry, asil research maditions In Manun. G.E. (Ed.), Blues Ethnographic noues. thaiversity of New Mexico Prem
- Miller R W, 1992 Moral Differences: Truth, Justice and Conscience in a World of Conflict (Princeton University Press, Princeton, NJ) Nett R. 1971, "The civil right we are not ready for the right of free movement of people on the face of
- Miller, B. Soulé. Michael E.. Terborgh, John, 2014, 'New conservation or surtender development? Anim. Consery, dx.dus.org/10.1113/ac12129.
- Mrfilmy. Ann, 2013. Sedna's children: hemit enters perceptions of chmate change at food security. In: Kopnina, Helen, Shoreman-Ouimet, Branot Tah
- Nature Oxford Uinvenity Press. Scrum, Ringer, 2012. Think Smously About the Planet: The Case for
- Nerf, Andreas 2015 Sustainable nawal development and üvelihoods, is: Kopnina. Helem, Shormman-Oun, Beance (Eds), Sontainability: Key Thours. Routledge,
- Norton BG. 118. Conservation and preservation: cnnceptual rehabilitation Emonin. Ethics 8. 105-220
- Nozick, Robert. 1974. Asardy, State, and Utopia. New York: Basic Books
- O'Neill O, 1991, "Transnational justice", in Polirical Theory Today Ed. D Held (Polity Press, Cambridge) pp 276-304
- Paul EF, Miller FJ, Paul J (Eds), 1994 Cultural Pluralism and Moral Knowledge (Cambridge
- pur Bonnett, Michael, 2013. Sustainable development. environmental omental educatim, p/mg/10.1080/ the significance of being place. Curric.
- Rabbins, Paal, 2012. Pénical roology: a critical imrodaction. In: Critical tetroductions to Geography, second ed.). Wiley & Som, Malden, MA Schhoberg, Devid, 2007. Defining Environmental Justice: Theories, Movements, and
- Rawis J. 1971 A Theory of Justice (Harvard University Press, Cambridge, MA) Rorty R, 1989 Contingency, Irony, and Solidarity (Cambridge University Press, Cambridge) Sack RD, 1997 Homo Geographicus: A Framework for Action, Awareness, and Moral Concern (Johns Hopkins University Press, Baltimore, MD)
- Royd, Jamars, 2007, Non-market benefits of nature: what should be counted in grens GDP7 Ecol. Econ. 6114) 710-725 Brochington, Dan, 2002. Fortress Comervation. The preservation of the Moman
- Sandei, Michael. 1982. Liberalism and the Limits of Justice. New York: Cambridge University. Press
- Sandel MJ, 1982 Liberalism and the Limits of Justice (Cambridge University Press, Cambridge) Sen A, 1992 Inequality Reexamined (Clarendon Press, Oxford)
- Sen, Amartya. 2009. The Idea of Justice. Cambridge, Mass.: Belknap Press of Harvard Univer
- Shereman-Ouomet, Eleanor, Kopnata, Heien, 2011, Houduction Environmental
- Shomonar-Quimet, Eleanor, 2014. Concessionary and emmervation a study of antienvironountalam. J. Ecol. Anthroput 14 (1) 52-6
- Shuronan, Flean leaner Harnn, N. 2009. Begulation, collaboration and conservation 37.95- -107 elagical anthropology in the Missituppe delta. Huma
- Singer, Merrill. Evans Jacqueline, 2011. Water wary, understandings and conc about water and health among the rural poor of Louisiana in Kopnuna, Helen. Shonenman-Oumat, Elean Enstenamental Astrupology Funn
- sity Press. Teachers College Columbia University. 2010. Academic Catalog Teacher Education. Available

- Smith D Environment and Planning D. Society and Space 15 19-35 Smith D M, 1997c, "Las dimensiones morales del desarrollo Economica, Sociedad y Territorio 11-39
- Smith D M, 1994 Geography and Social Justice (Blackwell, Oxford)
- Smith D M, 1998a, "Geography and moral philosophy: some common ground Ethics, Place and Environment 17-34
- Smith D M, 1998b, "How far should we care? On the spatial scope of beneficence" Progress in Human Geography 22 15-38 igraphy
- Smith DM, 1997a, "Geography and ethics: a moral turn" Progress in Human Geography 21583-590 M, 1997b, "Back to the good life: towards an enlarged conception of social justice"
- Smith DM, 2000a Moral Geographies: Ethics in a World of Difference (Edinburgh University Press, Edinburgh) Smith D M. 2000b, "Moral progress in human geography: transcending the place of good fortune"
- Strang, Veronica, 2013. Noces for plenary debate, in: World Anthropology Congress. Berg
- Sureman-Owanet. Eleanor. 2004 th. Maldie-out comervation, the role of elites in
- Sutivan, Sian, 2000, Green capitation and the culturat poverty of constructing
- system serreices and the Refon, K.H. Adam, WM. 2000 Payment for mumyy thallenge of saving nature. Conserv Bael, 23, 785-787, Keytan. Tam. 2007, Anim Kights Human Wrings. Rowman & Little, pp. 63-64
- T., 2008. Conflict or Collaboration: Two Kinds of Rural Elises in the Amazon A Paper Presented Meeting af American Anthropological
- the earth Ethick 81 212-227
- The lorax Keptina, Heten, 2012. Th exclusion borax comptes deep ecology, soomoom and Intep inviron. Set9 (4) 235-254
- University Press, Cambridge) Peffer R G, 1990 Marxism, Morality, and Social Justice (Princeton University Press, Princeton, NJ)
- Yang, Tongjin, 2006. Towards an Egalitarian Global Environmental Ethics.